ارمغان سخنور

ناعم، ابراهیم

فاضل و شاعر توانا آقای ناعم که آثار منظومشان غالبا در ارمغان از نظر خوانندگان ارجمند گذشته در قطعه زیر ارمغان و نگارنده ناچیز آنرا مورد ستایش قرار داده‏اند که موجب سپاسگزاری و امتنان فراوان میباشد.

اهل سخن گر دهدت«ارمغان» همچو شجر بر دهدت«ارمغان» برگ زر از دفتر دانائی است‏ آنچه سخنور دهدت«ارمغان» این یم طوفانی جوشنده جان‏ باش که گوهر دهدت«ارمغان» اوست که همچون فلک نیلگون‏ پرتو اختر دهدت«ارمغان» وز لب در ریز خود از هر کلام‏ مرسله زر دهدت«ارمغان» صبح دلاراست چو به‏بنگری‏ مهر منور دهدت«ارمغان» کام چو تلخ آوری از روزگار ساغر شکر دهدت«ارمغان» درد صفت این می‏مستی فزا نشئه بیمر دهدت«ارمغان» وز جگر شعله‏ور لاله‏گون‏ گرمی آذر دهدت«ارمغان» چون بپراکند نسیم خیال‏ غنچه زهر در دهدت«ارمغان» وز در اندیشه معنی‏گرای‏ لوح مصور دهدت«ارمغان» مژده فیض است که در گفتگو با دل و دلبر دهدت«ارمغان» گرچه خود آزرده دوران بود شادی خاطر دهدت«ارمغان» بخشش دست کرمش کم مبین‏ ملک سکندر دهدت«ارمغان» خامه چو سازد بصداقت طراز روح مظفر دهدت«ارمغان»

اوست که در ملک هنر گنجها از دل دفتر دهدت«ارمغان» گرنه«وحید»است چو او در بیان‏ قند مکرر دهدت«ارمغان» نیست خزان بر در بستانگهش‏ گل همه یکسر دهدت«ارمغان» «ناعم»از اینسان سخن جانفزا مشک معطر دهدت«ارمغان»

سوریه و مصر

این دو مملکت و مخصوصا اولی در اوایل قرن هفتم مسیحی یعنی‏ چند سالی قبل از هجرت و بعد از آن میدان محاربات ایران و روم بود. هر دو مملکت که در قلمرو حکومت روم شرقی بود در آنزمان چند سالی‏ در تصرف ایران ماندند یعنی سوریه و فلسطین قریب دوازده سال الی چهارده‏ سال و مصر قریب ده سال جزو مستملکات ایران بوده و فقط در حدود سال‏ 627 مسیحی(سال ششم هجرت)باز بتصرف روم درآمده و بزودی بدست‏ مسلمین افتاد.در مردم مصر مخصوصا بعلت تعصب در مذهب و پاتریاک قسطنطنیه‏ خصومت شدیدی نسبت بروم پیدا شده بود بطوریکه اثر آن در استیلای‏ عرب بمصر(که تقریبا بی‏زد و خورد مهمی صورت گرفت و پیشرفت‏ اردوی عمرو بن العاص بخوبی نمایان بود.